

فارسی ۱

- ۱- معنی واژه‌های «بهرام، سپردن، کوس، کام، مزیح» به ترتیب، در کدام گزینه درست آمده است؟
- (۱) سیاره کیوان، واگذار کردن، دُهل، مراد، صمغی زرد رنگ
(۲) زحل، طی کردن، طبل بزرگ، دهان، نوعی چسب
(۳) سیاره مریخ، طی کردن، دُهل، آرزو، شوخی
(۴) مریخ، واگذار کردن، طبل بزرگ، آرزو، نوعی چسب
- ۲- در کدام بیت، غلط املائی وجود دارد؟
- (۱) ببوشید درع سواران جنگ / نبود اندر آن کار، جای درنگ
(۲) به پیش سپاه اندر آمد چو گرد / چو رعد خروشان یکی ویله کرد
(۳) سر نیزه را سوی سهراب کرد / عنان و سنان را پر از تاب کرد
(۴) بزد نیزه او به دو نیم کرد / نشست از بر اسب و برخواست گرد
- ۳- کدام گزینه، صحیح است؟
- (۱) خواجه‌وش: کدخدامنش / زبون: خوار / جولقی: ناتوانی
(۲) تَلَطَّف: نرمی کردن / ندامت: پشیمانی / قهر: اجبار کردن
(۳) حاذق: ماهر / طاس: کاسه‌ی مسی / سوداگر: خریدار و فروشنده
(۴) مسلم داشتن: باور کردن / حاذق: چیره‌دست / میغ: آسمان
- ۴- در کدام گزینه غلط املائی بیشتری دیده می‌شود؟
- (۱) عجب آن که غراب از مجاورت و سفاحت طوطی هم به جان آمده بود و ملول شده و آغاز به عربده نهاد.
(۲) لاحول کنان از گردش گیتی همی‌نالید و دست‌های تغابن و ذبونی بر یکدیگر همی مالید و دریغ می‌خورد.
(۳) این چه بخت نگون است و طالع دون و ایام بوقلمون! لایق قدر من، سدر است نه با زاغی به دیوار بر.
(۴) چه کردم که روزگارم به عقوبت آن در سلکِ صحبت چنین ابلهی سوداگر، فارق از دلغ، خیره‌داری، به چنین بند مبتلا گردانیده است؟
- ۵- کدام یک از گونه‌های ادبیات زیر با بهره‌گیری از «عنصر روایت و شخصیت» پدید می‌آید؟
- (۱) ادبیات داستانی (۲) ادبیات غنایی (۳) ادبیات پایداری (۴) ادبیات حماسی
- ۶- «شاهنامه فردوسی» و شعر «دلیران و مردان ایران زمین» به ترتیب جزء کدام یک از گونه‌های ادبی هستند؟
- (۱) حماسی - داستانی (۲) حماسی - حماسی (۳) داستانی - داستانی (۴) داستانی - حماسی
- ۷- کدام گزینه درباره «ادبیات داستانی» صحیح است؟
- (۱) سبکی است که تنها مربوط به جغرافیای بیرون از ایران است.
(۲) با خواندن این گونه از ادبیات، نسبت به میهنمان احساس غرور می‌کنیم.
(۳) در ادبیات داستانی، تاریخ و اساطیر، به زبان نظم در می‌آید.
(۴) ادبیات داستانی، همه آثار روایتی خلاقانه را در بر می‌گیرد.
- ۸- زمان فعل‌های دو بیت زیر در کدام گزینه درست آمده است؟
- «کنون من گشایم چنین روی و موی / سپاه تو گردد پر از گفت و گوی
که با دختری او به دشت نبرد / بدین سان به ابر اندر آورد گرد»
- (۱) ماضی ساده - ماضی ساده - ماضی ساده
(۲) مضارع التزامی - مضارع التزامی - مضارع التزامی
(۳) مضارع اخباری - مضارع اخباری - ماضی ساده
(۴) مضارع اخباری - مضارع التزامی - مضارع اخباری
- ۹- در کدام مصرع، نوع «را» با بقیه متفاوت است؟
- (۱) بود بقالی و وی را طوطی‌ای
(۲) تن بی‌سرت را که خواهد گریست؟
(۳) کار پاکان را قیاس از خود مگیر
(۴) که رهام را جام باده است جفت
- ۱۰- در کدام بیت واژه‌ای وجود دارد که شکل نوشتاری آن در طول زمان تغییر کرده است؟
- (۱) کمندی به فتراک زین بر بیست / بر آن باره‌ی پیل‌پیکر نشست
(۲) به لشکر، چنین گفت کاموس گرد / که گر آسمان را بپاید سپرد
(۳) سخن هر چه زین گوهران بگذرد / نیابد بدو راه جان و خرد
(۴) خداوند کیوان و گردان سپهر / فروزنده‌ی ماه و ناهید و مهر
- ۱۱- در کدام بیت دو آرایه «غراق» و «کنایه» با هم به کار رفته است؟
- (۱) بشد تیز، رهام با خود و گیر / همی گرد رزم اندر آرد به ابر
(۲) تهمتن برآشف و با طوس گفت / که رهام را جام باده‌ست جفت
(۳) کشانی بخندید و خیره بماند / عنان را گران کرد و او را بخواند
(۴) پیاده ندیدی که جنگ آورد / سر سرکشان، زیر سنگ آورد
- ۱۲- در کدام بیت، کم‌ترین آرایه «جناس» وجود دارد؟
- (۱) بزنی که سوز دل من به ساز می‌گویی / ز ساز دل چه شنیدی که باز می‌گویی
(۲) ای دل به ساز عرش اگر گوش می‌کنی / از ساکنان فرش، فراموش می‌کنی
(۳) شاهد شکفته مخمور چون شمع صبحگاهی / لرزان به سان ماه و لغزان به سان ماهی
(۴) آشنایی نه غریب است که دل سوز من است / چون من از خویش برفتم دل بیگانه سوخت

۱۳- کدام بیت، از نظر قرابت معنایی با سایر بیت‌ها متفاوت است؟

- ۱) هر دو گون آهو گیا خوردند و آب / زین یکی سرگین شد و زان مشک ناب
- ۲) هر دو نی خوردند از یک آبخور / این یکی خالی و آن پر از شکر
- ۳) صد هزاران این چنین اشباه بین / فرقاشان هفتاد ساله راه بین
- ۴) جمله عالم زین سبب گمراه شد / کم کسی ز ابدال حق آگاه شد

۱۴- کدام بیت با سایر ابیات تناسب مفهومی ندارد؟

- ۱) بیگانه دزد را به کمین می‌توان گرفت / نتوان رهید ز آفت دزدی که آشناست
- ۲) چو با جانم غم تو آشنا شد / مکن بیگانگی و آشنا باش
- ۳) من از بیگانگان هرگز ننالم / که با من هر چه کرد آن آشنا کرد
- ۴) سخن رفتشان، یک‌به‌یک، هم‌زبان / که از ماست در ما بد آسمان

۱۵- با توجه به بیت زیر، معنی «ستوه گشتن» و «روی پیچیدن» کدام است؟

«چو رهام گشت از کشانی ستوه / بیچید زو روی و شد سوی کوه»

- ۱) عاجز شدن - برگشتن ۲) ناراحت شدن - پنهان گشتن ۳) خسته شدن - سرپیچی کردن ۴) عصبانی شدن - بی‌توجهی کردن